



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۹

رویکرد نظام قضائی ایران به عدالت ترمیمی از منظر کارایی اقتصادی

شهرام لبکی^۱، ناصر قاسمی^{۲*}، قاسم قاسمی^۳

۱. دانشجوی دکتری، حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد بین الملل، دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه علوم قضایی و خدمات و اداری، تهران، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: عدالت ترمیمی مفهومی است که در پی ناکارآمدی عدالت تنبیهی، زمینه ساز نگرشی نو به مفاهیم عدالت قضایی شده است. در علم اقتصاد عبارت هزینه- فایده به این معناست که تمامی انسانها عاقل فرض شده و رفتار و تصمیم گیری آنها نیز عقلایی بوده و پیش از اقدام به هر کاری، هزینه و منافع اقتصادی آن را می سنجند. این تحقیق، به بررسی رویکرد نظام قضائی ایران به عدالت ترمیمی از منظر کارایی اقتصادی می پردازد.

مواد و روش ها: این تحقیق به شیوه نظری و از نوع، توصیفی- تحلیلی با استفاده از اسناد و اطلاعات کتابخانه ای است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله اصالت متون، صداقت و امانت داری رعایت شده است.

یافته ها: مطابق یافته ها، عدالت ترمیمی علاوه بر کاستن از تراکم کار و اطاله دادرسی، منجر به پیشگیری و کاهش تخلفات در بلند مدت و پرورش سیستم قضایی مطلوب و کاهش هزینه ها می گردد.

نتیجه: سازوکار عدالت ترمیمی در سیستم قضایی ایران از انسجام کافی برخوردار نبوده و در قوانین موجود، حضوری کمرنگ به همراه پراکنده گویی های متعدد دارد. این وضعیت نشان دهنده عدم توجه قانون گذار به جایگاه ویژه عدالت ترمیمی و بعضاً درک نادرست از آن است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۰۵-۱۲۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۵

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۰۴/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

عدالت اقتصادی، عدالت ترمیمی، میانجی گری، کارایی اقتصادی.

نویسنده مسؤل:

ناصر قاسمی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه علوم قضایی و خدمات و اداری، گروه حقوق.

تلفن:

021 6670 7021

کد ارکید:

0000-0001-8335-2367

پست الکترونیک:

naserghasemi213@gmail.com

۱. مقدمه

عدالت ترمیمی، تفکر و اندیشه نوینی نسبت به جرم در حوزه عدالت کیفری و جرم‌شناسی می‌باشد که از دهه‌ی ۸۰ میلادی مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفته و همچنان در حال توسعه است. سیستمی که در عین نوپابودن، ریشه کهن در تاریخ و فرهنگ بومی هر کشور داشته است. از آنجایی که هدف از تدوین قوانین در جهت پیشگیری و کنترل جرم و اصلاح مجرم می‌باشد، لیکن ناتوانی سیستم عدالت کیفری سنتی کلاسیک چه در سزادهی که توجه آن به سرکوب و مجازات بزهکار بوده و چه در نوع بازپرورانه که نگرش بالینی و کلینیکی به بزهکار داشته است موفق در اهداف خود نبوده و با ایراداتی همچون افزایش جرم، عدم پاسخگویی مناسب بزهکار به بزه‌دیده، فراموشی جایگاه بزه‌دیده مواجه و موجب گردید تا بسیاری از حقوقدانان به عدالت ترمیمی روی آورند. عدالت ترمیمی به دنبال پاسخ دادن به سه پرسش است: اول- زیان حاصل از جرم چیست؟ دوم- برای جبران چه می‌توان کرد؟ سوم- چه کسی مسئول جبران است؟ به قول هوارد زهر، عدالت ترمیمی با پذیرش اصل موقعیت داشتن تعقیب و فردی کردن مجازات با هدایت پرونده به یک فرایند غیر رسمی با استفاده از ظرفیت موجود در فرهنگ عامه شبه حقوقی یا روش محلی، طرفین را به صلح و آشتی ترغیب می‌نماید.

با توجه به اینکه مبنای نظام حقوقی ایران شریعت اسلامی است، همواره تدوین قوانین متأثر از سنت‌های مذهبی و ملی بوده و نظر به اصلاح ذات البین و گذشت نسبت به یکدیگر داشته است. در ایران تا مدت‌ها اختلافات به روش کدخدامنشی حل‌وفصل می‌گردید و در سال ۱۳۲۴ پس از جنگ جهانی دوم، زمینه‌های شکل‌گیری عدالت ترمیمی

فراهم شد. اولین قانون در ایران که نگاه میانجی‌گری برای حل و فصل اختلافات داشته است، در سال ۱۳۳۷ با عنوان قانون راجع به امور قضائی عشایر و ایلات تصویب گردید. سپس قانون تشکیلات خانه‌های اصناف روستایی و شورای داوری شهری و روستا با دید میانجی‌گری شکل گرفت. با گذشت قریب یک قرن از قانونگذاری در ایران همواره سعی شده تا در تدوین قوانین، حذف اجرای مجازات‌ها به تصویب برسد به طوری که در سال ۱۳۴۶ با به تصویب رساندن ۱۷ ماده در قانون مجازات، تحت عنوان تعلیق مجازات، اجرای مجازات معلق گردید و این روند در سال‌های ۱۳۵۲ و ۱۳۶۲ و ۱۳۷۱ نیز به چشم می‌خورد. نهایتاً قانونگذار در سال ۱۳۹۲ در قانون آئین دادرسی کیفری در ماده یک خود سه راهبرد کیفری، ترمیمی و تصالیحی را مشخص نموده است. راهبرد تصالیحی به صلح میان طرفین اشاره داشته و به دنبال رفع خصومت و در نهایت صلح و سازش میان بزه‌دیده و بزه‌کار است. در نهایت قانونگذار از میان روش‌های غالب موجود در عدالت ترمیمی، میانجی‌گری را که یکی از قدیمی‌ترین و شایع‌ترین روش‌ها در اجرای عدالت ترمیمی می‌باشد را برگزیده است.

در این پژوهش به دنبال یافتن پاسخی بدین سوال هستیم که دلیل رویکرد نظام‌های حقوقی به عدالت ترمیمی چیست؟ به نظر می‌رسد، عدالت ترمیمی با امتیازاتی همچون نقش فعال بزه‌دیده و بزهکار در تصمیم‌گیری با ارج نهادن به ارزش‌های انسانی به عنوان موجودی ذی‌شعور در پذیرش تصمیم‌گیری آزادانه بزهکار و همفکری و تلاش طرفین در ترمیم خسارت وارده و دقت در اتخاذ تصمیم لحاظ نمودن ویژگی‌های متفاوت انسانی در صدور تصمیم، به سبب نزدیکتر بودن به اهداف عمده خود

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش آن به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد و ابزار جمع‌آوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه‌ای است.

۴. یافته‌ها

عدالت ترمیمی علاوه بر کاستن از تراکم کار و اطاله دادرسی، منجر به پیشگیری و کاهش تخلفات در بلند مدت و پرورش سیستم قضایی مطلوب و کاهش هزینه‌ها می‌گردد. لیکن ساز و کار عدالت ترمیمی در سیستم قضایی ایران از انسجام کافی برخوردار نبوده و در قوانین موجود، حضوری کم‌رنگ به همراه پراکنده گویی‌های متعدد دارد. این وضعیت نشان‌دهنده عدم توجه قانون‌گذار به جایگاه ویژه عدالت ترمیمی و بعضاً درک نادرست از آن است.

۵. بحث

۵-۱. مفهوم‌شناسی عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی دارای دو معنای عام و خاص است. ذیلاً به بیان آنها پرداخته می‌شود.

۵-۱-۱. عدالت ترمیمی به معنای عام

دربارۀ مفهوم عدالت ترمیمی اتفاق نظر وجود ندارد، با این حال «هوارد زهر» یکی از پیشگامان اصلی این مکتب، عدالت ترمیمی را اینگونه تعریف می‌کند: «عدالت ترمیمی فرآیندی است برای درگیر کردن تا حد امکان کسانی که دارای سهمی در یک جرم خاص هستند تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیانها، نیازها و تعهدات جهت التیام و بهبود بخشیدن و اصلاح

یعنی اصالت در روابط اشخاص، جبران خسارت با پذیرش بزهکار و مشارکت طرفین، سبب رویکرد به این نظام در کشورهای مختلف گردیده است. علاوه بر این، استفاده از عدالت ترمیمی، از منظر اقتصادی نیز دارای کارایی اقتصادی بوده و موجب صرفه جویی در هزینه و وقت طرفین دعوا و حتی نظام قضایی و کاهش حجم پرونده‌های قضایی و اطاله دادرسی خواهد شد. با این وجود، عدالت ترمیمی از بعد اقتصادی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اگرچه نویسندگان به صورت معدود به بحث عدالت ترمیمی در حقوق ایران به طور کلی در مقالاتی پرداخته‌اند که از جمله این مقالات، «پارادایم عدالت ترمیمی و تحدید میانجی‌گری کیفی در فقه و حقوق ایران» از سعیدی در سال ۱۴۰۱ منتشر شده است که نویسنده در این تمرکز بر نهاد میانجیگری در بحث عدالت ترمیمی دارد. همچنین سعیدی در مقاله دیگری در سال ۱۴۰۱ با عنوان «الگوی میانجی‌گری از عدالت ترمیمی در نظام حقوقی ایران و اسلام» بدین موضوع در خصوص عدالت ترمیمی پرداخته که علاوه بر جرایم حق الهی در جرایم حق الناسی نیز امکان ارجاع امر به میانجیگری جایز است. مقاله «نهادینه‌سازی رویه‌های عدالت ترمیمی در پلیس» نیز توسط رجبی تاج امیر در سال ۱۴۰۰ با تمرکز بر امکان افزایش نقش پلیس در رویه‌های عدالت ترمیمی منتشر شده است. بر این اساس، مقاله حاضر که اولین بار به بررسی حقوقی قوانین موضوعه با رویکرد نظام قضائی ایران به عدالت ترمیمی از منظر کارایی اقتصادی پرداخته است، در حوزه مطالعات مربوط به عدالت ترمیمی نوآوری دارد.

الگو حل و فصل اختلافات ناشی از ارتکاب بزه و ایجاد صلح و سازش بین طرفهای ذی نفع بایستی به وسیله جامعه محلی و با حضور فعال بزه‌دیده و بزهکار در چارچوب میانجی‌گری، مذاکره، مصالحه، نشست و... که سازوکارهای مختلف عدالت ترمیمی محسوب می‌شوند صورت گیرد، نه به وسیله قدرت حاکم و دولت و از این منظر اضلاع سه گانه‌ای که بایستی در فرایند مذکور دخالت داشته باشند، عبارتند از: بزه‌دیده، بزهکار و جامعه محلی. بر اساس این دیدگاه ارتکاب بزه در واقع ایجاد تعارض در روابط اشخاص قلمداد می‌شود نه نقض قوانین و مقررات رسمی و مخالف با دولت و در رویکرد مذکور عدالت ترمیمی، بزه‌دیده فقط به کسی اطلاق نمی‌شود که به طور مستقیم از ارتکاب بزه متأثر شده است بلکه اعضای خانواده و اعضای جامعه محلی که به صورت غیر مستقیم متأثر از جرم خواهند بود را نیز در برمی‌گیرد و لذا از این منظر بزه‌دیده به بزه‌دیده اولیه یا مستقیم و ثانویه یا غیر مستقیم تقسیم می‌شود. جامعه محلی نیز عبارتند از افراد ساکن در یک مکان مشخص مانند محله یا شهرک و یا به تعبیری گروهی از افرادی که به واسطه مصلحت مشترکی با هم مرتبط بوده و پیوند دارند همچون اعضای خانواده خویشان همسایگان و یا همکاران (صادقی موحد و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۱۱).

به نظر نویسندگان، می‌توان گفت که عدالت ترمیمی به معنای خاص، ترمیم و التیام آلام بزه‌دیده از سوی بزهکار با حضور فعال بزه‌دیده و بزهکار و وساطت جامعه محلی است.

۲-۵. نظریه‌های عدالت ترمیمی

اکثریت قریب به اتفاق اساتید معزز جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی و سایر متخصصین و صاحب نظران ایرانی از ابتدای پیدایش عدالت ترمیمی

امور به اندازه‌ای که امکانپذیر است اقدام کنند» (زهر، ۱۳۸۳، ۷۴).

به زبان ساده عدالت ترمیمی رویکردی پاسخ‌دهنده در برابر جرم است که در برابر عدالت سرکوب‌گر یا سزادهنده، بر بازسازی زیان‌های پدید آمده از ارتکاب جرم از راه مشارکت سازنده بزهکار و بزه‌دیده در فرآیند دادرسی کیفری تمرکز دارد.

۵-۱-۲. عدالت ترمیمی به معنای خاص

عدالت به معنای خاص کلمه به مفهوم برابر داشتن اشخاص و اشیاء است و مبنا و معیار آن هم محاسبات و فرمول‌های ریاضی یا فیزیک نمی‌باشد که همیشه عدد خاص مبین آن باشد بلکه فضیلتی است که به موجب آن بایستی به هر کس باید هر آنچه را که حق او است داده شود. عدالت ترمیمی، نوعی از عدالت (راجع به امور کیفری) مبتنی بر صورت کامل یا به گونه‌ای نمادین، ترمیم شود. مارشال تأکید می‌کند که باید به بزهکار فرصتی جهت ترمیم آنچه در نتیجه ارتکاب جرم از بین برده است داده شود تا در مرحله اول نسبت به جبران زیان بزه‌دیده اقدام کند، صرف نظر از اینکه بزه ارتكابی چرا و چگونه به وقوع پیوسته است. همچنین وی استدلال می‌کند که در فرایند اجرای عدالت در امور کیفری بیشترین تأکید باید بر جبران زیان از طرف بزهکار باشد. در این راستا صرف نظر از پرداخت خسارت، جبران ممکن است شامل مشارکت داوطلبانه بزهکار در مشاوره، درمان یا آموزش نیز باشد (زارع بیدسردره و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۳۷).

براین اساس، جبران ضرر و زیان کسانی که در نتیجه وقوع جرم متضرر شده‌اند موضوع اساسی عدالت ترمیمی است. هدف کلیه فرایندهای عدالت ترمیمی نیز بهبود و التیام بخشیدن به همه افراد و از جمله بزه‌دیده و حتی خود بزهکار است. در این

تاکنون به مدح و ثنای نظریه جدید پرداخته و اهتمام خود را بر تبیین و تشریح و ترویج و نیز اثبات انطباق آن بر جامعه ایرانی (شیری، ۱۳۹۶، ۲۵؛ کوشکی و حسین‌وند، ۱۳۹۶، ۶۸۵-۷۰۶؛ عطاشنه و امیر ایرانی، ۱۳۹۶، ۵۵۵-۵۸۳)، مکتب اسلام (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۶، ۸۱۳-۸۲۳؛ نوبهار، ۱۳۹۶، ۸۲۴-۸۴۱؛ صفاری، ۱۳۹۶، ۵۰۳-۵۲۱) و حتی قوانین جزایی موجود (حدادزاده نیری، ۱۳۹۶، ۳۲۶-۳۴۱) و همچنین ضرورت همسازی و هم‌نوایی هرچه بیشتر با آن در وضع و اجرای قوانین (برهانی و نوری زینال، ۱۳۹۶، ۲۰۴-۲۲۶) مصروف نموده‌اند؛ همانگونه که امیل دورکیم (۱۸۸۲)، می‌گوید جرم یک پدیده اجتماعی است که در تمامی جوامع با یک سری شدت و ضعف‌هایی دیده می‌شود (آرون، ۱۳۸۳، ۳۶). در طول تاریخ در نظام‌های کیفری، نمونه‌های مختلفی مطرح بوده است که از این میان، نمونه عدالت سزادهنده هنوز در سیستم کیفری کشورها به اجرا در می‌آید. در این نمونه، همواره بزهکار را مستحق کیفر متناسب با شدت بزه می‌دانند و تأکید دارند که با فرد بزهکار بایستی آنگونه رفتار شود که او با دیگران کرده است. در این مدل، بر رفتار گذشته‌ی بزهکار تمرکز کرده و او را لایق سزادهی می‌دانند. این یک مدل تلافی‌جویانه، انتقام‌جویانه و مقابله به مثل است که از اندیشه‌های فلاسفه آلمانی بویژه کانت و هگل برگرفته شده است. کانت بر مفهوم عدالت تأکید زیادی دارد و معتقد است که بزهکار باید به کیفر عمل خود برسد؛ حتی اگر این کیفر به سود جامعه نباشد (شیری، ۱۳۸۵، ۲۲۵).

از سایر تأثیرگذارترین نظریه‌پردازان در این حوزه می‌توان به جان بریث‌ویت (۱۹۶۴)، انسان‌شناس، جامعه‌شناس و جرم‌شناس برجسته استرالیا اشاره کرد که با طرح نظریه شرمساری بازگرداننده یا باز

یکپارچه‌ساز، شهرت جهانی یافت. وی بر این باور است که عدالت ترمیمی مبتنی بر نظریه‌ی شرمساری بازگرداننده بیش از شیوه‌های موجود در عدالت کیفری به کاهش جرم می‌انجامد. بازسازی بزه‌دیده به اعتقاد بریث‌ویت شامل جبران زیان مالی، ترمیم آسیب، ترمیم احساس امنیت، ترمیم احساس توانمندی، ترمیم حمایت اجتماعی و مردم‌سالاری رایزنانه می‌باشد. بزهکاران پس از شرمساری همراه با بازداشت نیاز به این دارند که کرامت انسانی آنها ترمیم گردد. این ترمیم کرامت به نظر بریث‌ویت از رهگذر رویارویی با بزه‌دیده، مسولیت‌پذیری در برابر پیامدهای بد برخاسته از جرم و پوزش‌خواستن وی از بزه‌دیده انجام می‌شود. وی علت اصلی ارتکاب جرم را احساس ناامنی و ناتوانمندی بزهکاران می‌داند؛ چرا که آنها به دلیل اینکه احساس می‌کنند مورد ظلم واقع شده‌اند (مثل اقلیت‌ها) دست به ارتکاب جرم می‌زنند. وی تأکید می‌کند که اگرچه عدالت ترمیمی نمی‌تواند بی‌عدالتی‌های بنیادین و ساختاری را در جامعه حل بکند، اما مشکلات ساختاری موجود در جامعه را وخیم‌تر نمی‌سازد. بریث‌ویت (۱۹۷۴) به تنوع موجود در فرایندهای اجرایی عدالت ترمیمی اشاره می‌کند که با توجه به فرهنگ‌های مختلف اشکال گوناگونی به خود می‌گیرند تا بتوانند خود را با چندگانگی یا کثرت ارزشمند از راهبردهای در جست‌وجوی واقعیت‌ها، همساز گردانند. وی در ادامه به نقش نهادها در جوامع مدنی اشاره می‌کند که به جای سرپوش گذاشتن روی مشکلات جدی همچون خشونت با آن به گونه‌ای برخورد می‌کنند که نه انگ زنده است و نه سزادهنده (محمدپور و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۲۳).

به نظر می‌رسد این دیدگاه به حفظ کرامت انسانی توجه ویژه ای دارد و کیفر را به عنوان یک عامل بازدارنده در نظر می‌گیرد نه عامل تنبیهی و مجازات کننده.

۵-۳-۲. ظرفیت‌های نظام قضایی برای بهره‌گیری از سازوکارهای عدالت ترمیمی

به نظر نویسندگان، نقش حاشیه‌ای عدالت کیفری سنتی در پاسخ‌دهی به جرم، به گونه‌ای که فقط تعداد اندکی از جرایم مکشوفه منجر به اعمال ضمانت اجرای کیفری شود. سرقت اختلاف و دعوی از طرفین اصلی آن، به ویژه بزه‌دیده که به طور کلی در نظام عدالت کیفری سنتی حاشیه‌نشین شده است و نیز بزهکار که به ندرت به او فرصتی به منظور ایفای نقشی فعال در نظام عدالت کیفری سنتی اعطاء می‌شود. در نهایت با وجود توسعه روز افزون استفاده از آموزه‌های ترمیمی در موضوعات کیفری، برخی از نویسندگان انتقاداتی نسبت به عدالت ترمیمی مطرح کرده‌اند که مختصراً به آن اشاره می‌شود.

۵-۳-۱. عدم تناسب میان جرم و واکنش اتخاذی

برخی از منتقدان معتقدند که ضمانت اجراهای ترمیمی متناسب با شدت جرم ارتكابی و سازگار با شرایط اجتماعی نیستند. «موریس فون هیرش» و «آشورت» به عنوان بنیانگذاران نظریه عدالت (مجازات‌های) استحقاقی تأکید می‌کنند، تعیین مجازات یا واکنش با توجه به نظر و عقیده بزه‌دیده نمی‌تواند متناسب با جرم باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸، ۳). البته باید این را متذکر شد که در عدالت ترمیمی کلیه طرفین دخیل در تصمیم‌گیری را ملزم می‌کند که با توجه به واقعیت‌ها تصمیم بگیرند، تصمیمی که اصولاً

از این دیدگاه، عدالت ترمیمی بسیار آرمانگرایانه است و در واقع به بزهکار نه به عنوان مجرم، بلکه به دیده فردی از افراد آسیب دیده جامعه می‌نگرد که نیازمند حمایت و توجه و درک شدن از سوی دیگر افراد جامعه است. در واقع صاحب‌نظران این حوزه، جامعه را در تشویق و تحریک فرد بزهکار به انجام بزه مقصر می‌دانند و معتقدند که با اصلاح جامعه و رفع بی‌عدالتی‌ها، بسیاری از بزهکاری‌ها خودبخود از بین می‌روند.

۵-۳. ظرفیت‌های بهره‌گیری از سازوکارهای عدالت ترمیمی

برخی از ظرفیت‌های بهره‌گیری از سازوکارهای عدالت ترمیمی به شرح ذیل‌اند.

۵-۳-۱. بهره‌گیری از ویژگی‌های کیفر در عدالت ترمیمی

طرفداران عدالت ترمیمی برای اجتناب از پیامدهای منفی کیفر در عدالت کیفری ویژگی‌های خاصی برای آن در نظر می‌گیرند. این ویژگی‌ها، مفهوم کیفر را در دیدگاه عدالت ترمیمی نسبت به عدالت کیفری متمایز می‌کند. یکی از این ویژگی‌ها، ویژگی جنبه غیر تنبیهی کیفر است. طرفداران عدالت ترمیمی در تلاشند که مفهومی غیر تنبیهی از کیفر ارائه نمایند. کاتلین دیلی (۲۰۰۳) در این باره مینویسد: «هواداران عدالت ترمیمی می‌بایست معنای کیفر را بار دیگر بررسی کنند به جای سرکوب (Repressing) یا حذف (Eliminating) این واژه، بهتر است روی درک روزانه مردم از کیفر و احساسات مرتبط با آن کار شود این موارد قادر به اثبات این نکته‌اند که کیفر برخلاف آنچه تصور شده بیشتر از آنکه حالت تنبیهی داشته باشد حالت انعطاف‌پذیری دارد» (نوربخش و والی زاده، ۱۳۹۷، ۱۱).

مبتنی بر توافق آنهاست (نوربخش و والی زاده، ۱۳۹۷، ۱۱).

۵-۳-۲. فقدان بازدارندگی تدابیر ترمیمی
تدابیر ترمیمی بسیار ملایم و نرم بوده، فاقد تأثیر باز دارنده‌اند (نوربخش و والی زاده، ۱۳۹۷، ۱۲).

۵-۳-۳. استفاده از بزه‌دیدگان به نفع بزهکاران

بعضی از منتقدان عدالت ترمیمی معتقدند بزه‌دیده در این فرایند در خدمت بزهکار در می‌آید تا مانع از حبس و بازداشت وی شود (فرنام، ۱۴۰۱، ۴۱۰). باید خاطر نشان نمود که در عدالت ترمیمی حداکثر تلاش به عمل می‌آید تا از بزه دیدگی مجدد بزه‌دیده که ناشی از فقدان اطلاعات و عدم حمایت از اوست جلوگیری شود. به علاوه آنکه بزه‌دیده در نظام تصمیم‌سازی مبتنی بر روش‌های ترمیمی همواره می‌تواند از قبول و پذیرش برخی تصمیمات خودداری کند. بنابراین انتقاد منتقدین موجه به نظر نمی‌رسد.

۵-۳-۴. عدم توازن قوا در عدالت ترمیمی

برخی منتقدان تأکید می‌کنند که روش‌های ترمیمی موجب نوعی عدم توازن میان طرفین شرکت کننده در فرایند تصمیم‌سازی مبتنی بر آنهاست (نوربخش و والی زاده، ۱۳۹۷، ۷).

به نظر نویسندگان، باید خاطر نشان نمود که در اجرای روش‌های ترمیمی امکان کاهش ترس و هراس بزه‌دیده از بزه دیدگی مکرر بیشتر فراهم شود، زیرا بزه‌دیده با مواجهه حضوری با بزهکار و رسیدن به یک توافق، از نتایج آن اطمینان حاصل کند. با این اوصاف به نظر می‌رسد که، عدم توازن قوا در عدالت ترمیمی نیز منتفی است.

۵-۳-۳. ظرفیت‌های قانونی در بهره‌گیری از عدالت ترمیمی

قانونگذار ایران در تدوین برخی از قوانین از عدالت ترمیمی بهره جسته است. این قوانین به شرح ذیل - اند:

۵-۳-۱. ماده واحده قانون راجع به امور قضایی و اداری لرستان

در حدود پس از دو دهه ایجاد ساختار رسمی رسیدگی کیفری و کمتر از یک دهه پس از وضع قانون کیفر همگانی مصوب ۱۳۰۴، قانونگذار ایرانی به ضرورت توجه به آداب و رسوم محلی و ایجاد امکان مشارکت جوامع محلی در حل و فصل اختلافات کیفری پی برد. در قانون مذکور (مصوب ۱۳۱۲) و نظام‌نامه آن مقرر شد دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر برای رسیدگی به اختلافات مردم در منطقه لرستان با عضویت یکی از افراد بومی و محلی و امکان رسیدگی به جرایم جنبه‌ای با استفاده از روش‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز خصومت‌ها تشکیل شوند (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۳).

۵-۳-۲. لایحه قانونی حل اختلافی محلی

در این لایحه که به سال ۱۳۳۲ و با استفاده از اختیارات دولت وقت به تصویب رسید قلمرو امکان مشارکت مردم در حل و فصل اختلافات میان آنها گسترش یافت و هیأت‌های سه نفره منتخب ده و دهستان می‌توانستند با رعایت شرایط مذکور در این لایحه قانونی به حل و فصل برخی اختلاف کیفری و از جمله دعاوی مربوط به تصرف عدوانی و مزاحمت و برخی جرایم جنبه‌ای و کلیه جرایم خلافی بپردازند. علاوه بر لایحه قانونی فوق‌الذکر می‌توان از ماده واحده «قانون راجع به امور قضائی عشایر و ایلاتی که اسکان می‌شوند» نیز یاد کرد که

به موجب آن: «برای رسیدگی به اختلاف و دعاوی افراد ایلات و عشایر با یکدیگر و یا کسانی که با آنها دعوی دارند، وزارت دادگستری هیأت‌هایی مرکب از ۳ نفر که ۲ نفر آنها از قضات مجرب و یک نفر به انتخاب افراد محل باشند تشکیل می‌دهد که با توجه به اصول و قوانین به طریق «کدخدامنشی» و «اصلاح اختلافات» دعاوی مربوط را فیصله دهند» (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۳).

۵-۳-۳. قانون تشکیل خانه‌های

انصاف و قانون شورای داوری

بدون تردید از آغاز اجرای عدالت کیفری رسمی تاکنون وضع و اجرای قانون تشکیل خانه های انصاف (مصوب ۱۳۴۴) با اصلاحات بعدی و قانون شورای داوری (مصوب ۱۳۴۵) برای مشارکت روستائیان و شهرنشینان در حل و فصل اختلافات میان آنها مهمترین اقدام مقنن ایرانی برای غیر رسمی کردن عدالت کیفری بوده است در دو قانون مذکور نه تنها از یک طرف دامن‌صلاحیت خانه های انصاف و شوراهای داوری به منظور حل و فصل اختلافات کیفری گسترده تر شده بود، بلکه مقرر گردیده بود هیچ کدام از مأموران و حتی کدخداهای که دارای وجهه ای محلی دولتی بوده اند و نیز حرفه ای های عدالت کیفری همانند قضات، وکلا و سردفتران نمیتوانند به عنوان عضو یا مشاور این خانه ها و شوراهای انتخاب شوند. نگرش مقنن دو قانون مذکور به ابعاد غیر رسمی و بلکه تا حدودی ترمیمی حل و فصل اختلافات کیفری را میتوان از عناوین این دو قانون نیز درک و استنباط کرد دو اصطلاح «خانه» و «شورا» به طور کلی فاقد هرگونه ساختار رسمی و به اصطلاح تشکیلاتی در مقایسه با اصطلاحاتی همانند دادگاه، دادسرا و سازمان و... می‌باشند. مفاهیم «انصاف» و «داوری» نیز بر

ماهیت تصمیم‌گیری در این خانه‌ها و شوراهای دلال دارند، مفاهیمی که بیش از آنکه حاوی عدالت رسمی دولت محور باشند، ناظر بر احسان و تلاش مشفقانه و توأم با توافق رضایت‌مندانه طرفین و میانجیگران برای حل و فصل اختلاف است. بدین ترتیب با وجود برخی کاستیها در عملکرد خانه های انصاف و شوراهای داوری تردیدی نیست که نهادهای مذکور با توجه به ترکیب اعضا و چگونگی انتخاب آنها میزان و قلمرو صلاحیتها شیوه تصمیم‌گیری و عدم التزام به رعایت تشریفات رسیدگی در مراجع رسمی بیشترین ظرفیت بالقوه را برای حل و فصل غیر رسمی اختلافات و ظهور و تحقق برخی آموزه‌های ترمیمی داشته‌اند (نوربخش و والی زاده، ۱۳۹۷، ۱۵).

بنابراین می‌توان گفت خانه‌های انصاف با بهره‌گیری از رویه‌ها و نیروهای سنتی موجود، ضمن کاستن از بار پرونده‌های قضایی، بوروکراسی دولتی را در عرصه دادرسی گسترش دادند و دادرسی غیررسمی را در قالب دادرسی رسمی درآوردند.

۵-۳-۴. ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم

توسعه اقتصادی-اجتماعی و سیاسی

کشور مصوب ۱۳۸۱

در اجرای این ماده آیین نامه شوراهای حل اختلاف پس از تصویب رییس قوه قضاییه در روزنامه رسمی شماره ۱۶۷۴۸ مورخ ۱۳۸۱/۶/۵ منتشر گردید در این آیین‌نامه کیفیت تأسیس نحوه انتخاب اعضاء شوراهای حل اختلاف و شرایط عضویت آنان حدود صلاحیت و برخی از آیین‌ها و مقررات رسیدگی و شیوه اتخاذ تصمیم و نقش مشاور و شیوه نظارت دادگستری بر این شوراهای پیش‌بینی شده است. با توجه به مقررات پیش‌بینی شده در آیین نامه مزبور این شوراهای برخلاف خانه‌های انصاف و شوراهای داوری نهادهای رسمی و حکومتی هستند که زیر

را کم رنگ و به نوعی با چالش‌هایی روبرو می‌سازد، از جمله‌ی آنها:

۵-۴-۱. کاهش اقتدار حاکمیت

برخی معتقدند عدالت ترمیمی به دنبال این است که اختیار و اقتدار دولت را در تعقیب و محاکمه مجرمین محدود کند و آن را به بخش خصوصی بسپارد. این ادعا و اندیشه عدالت ترمیمی مغایر با اصل حاکمیت ملی دولت‌هاست. جرم‌انگاری و اجرای آن و تعقیب و محاکمه متجاوزین به این محدوده‌های ممنوعه قانونی نماد حاکمیت ملی دولت‌ها و اقتدار داخلی آنهاست. بطور کلی بحث حقوق بشر که در حوزه حقوق عمومی قرار دارد مخاطبش دولت می‌باشد، بنابراین از آنجا که حقوق کیفری و به ویژه آیین دادرسی کیفری، بحث کاملاً مرتبط با حقوق بشر دارد، پس دولت‌ها باید زمینه اعمال و اجرای آن را فراهم کنند (سعیدی، ۱۴۰۱، ۱۸۱).

به نظر نویسندگان، چنانچه عدالت کیفری از نظارت دولت خارج شود چنین چیزی عملی نیست، بدین‌سان حقوق جامعه لوٹ می‌شود و بحث انتقام کیفری خصوصی هم چون گذشته ایجاد می‌شود.

۵-۴-۲. دور شدن از فلسفه مجازات

زمانی که حکمی توسط مراجع قضایی صادر می‌شود در واقع تکلیف دعوا روشن می‌گردد و طرفین جرم خود را ملزم به تبعیت از آن می‌کنند حتی اگر آن را ناعادلانه بدانند. نظام کیفری فی حد ذاته نماد اقتدار جامعه است و وضع قوانین نقش بازدارنده‌ای در آن دارد، لذا دولت می‌تواند در چارچوب عدالت کیفری حقوق طرفین را رعایت کند، زیرا قانونگذار کیفری به دنبال یک جامعه آرمانی است پس امیدوار است صرف جرم‌انگاری

نظر دادگستری انجام وظیفه می‌کنند، زیرا اعضاء آنها از سوی تشکیلات اداری و نهادهای حکومتی انتخاب می‌شود و در رسیدگی آنها نیز دادگستری نظارت دارد. به موجب ماده ۴ آیین نامه مورد نظر با توجه به نقض آیین نامه و قانون مورد نظر به موجب قانون تشکیل شوراهای حل اختلاف مصوب از بررسی این مقررات خودداری می‌شود (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۳).

۵-۳-۳. قانون تشکیل شوراهای حل

اختلاف مصوب ۱۳۸۷/۰۴/۱۸

هدف این قانون بیشتر حل اختلافات به صورت وساطت اعضای شورای حل اختلاف پیرامون ماده ۱۲ و ۱۳ قانون شوراهای حل اختلاف است که ماده ۱۲ اشعار می‌دارد: «در کلیه اختلافات و دعاوی خانوادگی و سایر دعاوی مدنی دادگاه رسیدگی کننده می‌تواند با توجه به کیفیت دعوی یا اختلاف و امکان حل و فصل آن از طریق صلح و سازش فقط یک بار برای مدت حداکثر تا دو ماه موضوع را به شورای حل اختلاف ارجاع نماید.» مطابق ماده ۱۳ نیز: «شورا مکلف است در اجراء ماده فوق برای حل و فصل دعوی یا اختلاف و ایجاد صلح و سازش تلاش کند و نتیجه را اعم از حصول یا عدم حصول سازش در مهلت تعیین شده به مرجع قضایی ارجاع کننده برای تنظیم گزارش اصلاحی یا ادامه رسیدگی مستنداً اعلام نماید» (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۳).

۵-۴. چالش‌های قانونی عدالت ترمیمی

در فرآیند میانجی‌گری کیفری

به نظر نویسندگان و بر اساس مطالعات انجام شده، عدالت ترمیمی با توجه به رویکرد نوظهور و در عین حال اصلاحی خود نسبت به متأثرین یک پدیده‌ی مجرمانه؛ تا قدری حد و مرزها و ارزش‌های جامعه

افراطی بر رعایت حقوق بزه‌دیده موازنه عدالت را میان کنشگران جرم برهم می‌زند و استقرار نظم عمومی و تأمین امنیت اجتماعی جامعه را در درجه دوم قرار می‌دهد که می‌توان به عنوان یکی از مهمترین چالش‌های عدالت ترمیمی از آن یاد کرد.

۴-۵. مقاومت و مخالفت بازیگران رسمی در عرصه اجرای عدالت

شوراهای حل اختلاف به عنوان یک نهاد با رویکرد ترمیمی فعالیت و نتایج بسیار خوبی در سیستم قضایی کشور در زمینه حل و فصل اختلافات، صلح و سازش و مخومه نمودن پرونده‌ها داشته است. یکی از مهمترین فواید تشکیل این شوراها، ایجاد همگرایی وسیع در بین اعضای شوراهاست. این نهاد مردمی توانسته است به دور از هر گونه طبقه بندی اجتماعی، افراد مختلفی از گروه‌های اجتماعی را از رده‌های سنی متفاوت، از بین دارندگان تحصیلات در رشته‌های متنوع و از بین شاغلین مختلف در حوزه‌های گوناگون دور هم جمع کرده و یک نهاد بزرگ کاملاً مردمی را ایجاد نماید. با دقت در آمارهای رسمی ارائه شده راجع به عملکرد این شوراها، می‌توان گفت که اگر این نهاد مردمی ایجاد نمی‌شد به یقین دستگاه قضایی کشور به علت تعدد پرونده‌های ورودی با چالش‌های اساسی مواجه می‌شد (غلامی و همکاران، ۱۳۹۷، ۶۹).

به نظر نویسندگان، فعالیت موفق شوراهای حل اختلاف موجبات کاهش حجم ورودی پرونده‌ها به دادگستری، گسترش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی، کوتاه کردن فرآیند دادرسی و احقاق حقوق و رضایت مردمی را فراهم کرده است.

برای منصرف کردن بزه‌کاران بالقوه کافی باشد (سعیدی، ۱۴۰۱، ۱۸۲).

به نظر نویسندگان، اگر عدالت ترمیمی با ضمانت اجراهای غیرقضایی خود یعنی ترمیم خسارت بزه‌دیده و مسئولیت‌پذیری بزهکار اجرایی شود منجر به تضعیف کارکرد بازدارندگی عمومی نظام کیفری و کمرنگ کردن مجازات‌ها و به نوعی دور شدن از فلسفه مجازات‌ها می‌شود.

۴-۵. عدم رویه واحد و اختلاف نظر در روش‌های میانجی‌گری

با وجود آنکه بیش از سی سال از تجربه اعمال میانجی‌گری کیفری به شکل نوین در کشورهای مختلف گذشته است، مدل‌های میانجی‌گری حجم وسیعی از برنامه‌های مختلف و ناهمگون و گاهی متضاد و متناقض را در برمی‌گیرند. این برنامه‌ها گاهی وابسته به دستگاه کیفری‌اند، گاهی نهادهای غیردولتی و مدنی آن‌ها را اداره می‌کنند و گاهی آن‌ها وابسته به نهاد مذهبی مانند کلیساها و مساجد و تشکل‌های مذهبی‌اند (سعیدی، ۱۴۰۱، ۱۸۲).

۴-۵. مدنی شدن حقوق کیفری و برهم زدن موازنه عدالت کیفری به نفع بزه‌دیده

منتقدین بر این باورند که عدالت ترمیمی منتهی به استقرار حقوق کیفری مدنی شده است (سعیدی، ۱۴۰۱، ۱۸۳). به نظر نویسندگان، این ایراد دعاوی مدنی بر روابط فردی تمرکز دارد و دارای طبع فردمدارانه است، اما جرایم کیفری دارای چنین طبعی نیست بلکه تمرکز بر حیثیت اجتماعی دارد. این ویژگی که در عدالت ترمیمی نیز به چشم می‌خورد با ویژگی حاکم بر دعاوی کیفری که بر استیفای حقوق جامعه تکیه دارند سازگار نمی‌باشد. پس عدالت ترمیمی با تمرکز

۵-۶. بهره‌گیری از عدالت ترمیمی از منظر کارایی اقتصادی

امروزه استفاده از روش‌های جایگزین حل و فصل دعاوی و به طور ویژه، میانجیگری، گسترش چشمگیری یافته و صرفه جویی در زمان و هزینه و نیز تمایل به حفظ روابط افراد جامعه از دلایل اصلی افزایش این گرایش است (جوادیپور و همکاران، ۱۳۹۸، ۹۶).

به نظر نویسندگان، در رسیدگی‌های طولانی مدت قضایی و شبه قضایی، عملاً در اغلب موارد، روابط عادی طرفین به علت درگیر بودن در فرآیند رسیدگی به اختلافات، متوقف و یا کند و غیرکارا می‌شود و از این بابت هزینه - فرصت‌های از دست رفته بسیاری به آنها تحمیل می‌شود. علاوه بر این، از آنجا که معمولاً میانجی‌ها با رویکرد قانونی، طرفین اختلاف را در شناخت صحیح ابعاد اختلافات و یافتن راهکارها و رسیدن سریعتر به توافق مناسب و کم هزینه‌تر یاری می‌دهند، می‌توانند منجر به افزایش کارایی اقتصادی شوند.

۶. نتیجه

اختلاف یکی از پیامدهای زندگی جمعی انسان‌ها در طول تاریخ بشر می‌باشد که از وقوع آن نمی‌توان جلوگیری کرد، در همین راستا برای حل و فصل و یا پیشگیری احتمالی از وقوع آن راه‌حل‌هایی پیش‌بینی شده است که در هر دوره تغییر و تکامل یافته، اما مهم‌ترین مسئله تسریع روند برون رفت به بهترین شیوه است. پس اساس مناسبی برای حل اختلافات به شیوه دوستانه به دلیل مزیت‌هایی چون کم هزینه بودن رسیدگی، عدم تشریفات، انعطاف‌پذیری، سرعت در عملکرد دادرسی و از همه مهمتر سطح بالای اقلان فردی و توسعه تفاهم اجتماعی وجود دارد. از سویی باور به مسائلی از قبیل میزان ثواب و عقاب اخروی، حشر، توبه و انابه

در نظام اسلامی ایجاب می‌کند که الگوی جدیدی برای تفکر در امور کیفری در قلمرو عفو مجرمین و میانجی‌گری به نفع مجرم صورت گیرد که از آن به عدالت ترمیمی یاد می‌شود. یکی از اهداف توسعه عدالت ترمیمی برای مجرمان به عهده گرفتن مسئولیت و درک صحیح از صدمه‌ای است که به قربانی وارد کرده‌اند و همچنین رضایت‌مندی قربانیان از روند حل اختلاف است. بطور کلی، عدالت ترمیمی نتیجه تحولات بوجود آمده در نگرش به عدالت کیفری است. این فرایند با ابزارهایی چون میانجی‌گری اختلاف را در محیطی دوستانه با مشارکت بزه‌دیده و متهم با مدیریت شخص ثالث و یا گفت‌گو در خصوص علل، آثار و نتایج جرم انتسابی، روند حل و فصل را تسهیل می‌بخشد. این روش علاوه بر اینکه از تراکم کار و اطاله دادرسی که حاکم بر نظام قضایی شده می‌کاهد، منجر به پیشگیری و کاهش تخلفات در بلندمدت و پرورش سیستم قضایی مطلوب نیز می‌گردد. قانون‌گذار با الهام از آموزه‌های عدالت ترمیمی و تأکید نظام اسلامی بر حل اختلافات از طریق صلح و سازش و نیز تأثیرپذیری از نظام‌های قضایی پیشرفته دنیا، برای اولین بار امکان ارجاع امر به میانجی‌گری توسط مقام قضایی (اعم از بازپرس و دادرس دادگاه) در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی نمود. بدون شک این اقدام به منظور خارج ساختن پرونده‌های کم اهمیت از فرآیند دادرسی قضایی و در جهت کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی اقتصادی پیش‌بینی شده است. میانجی‌گری روشی پرکاربرد در حل و فصل اختلاف می‌باشد که در آن یک شخص ثالث به نام میانجی به عنوان تسریع‌کننده روند در رسیدن طرفین به توافق با آنان مشارکت می‌کند. البته در این روش تصمیم میانجی برای طرفین الزام‌آور

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

نیست، بلکه فقط امکان مذاکره را برای طرفین فراهم و با ارائه پیشنهادات و راهکارهایی آنها را در رسیدن به توافق همراهی می‌کند. اما به نظر می‌رسد بهره‌گیری از سازوکار عدالت ترمیمی در سیستم کیفری ایران از انسجام کافی برخوردار نبوده و در قوانین متعدد موجود، حضوری کم‌رنگ به همراه پراکنده گویی‌های متعدد قابل مشاهده می‌باشد که این وضعیت نشان از عدم توجه قانون‌گذار به جایگاه ویژه عدالت ترمیمی و بعضاً درک نادرست از این مهم می‌باشد.

منابع

- ابراهیمی، فرخنده، «عدالت ترمیمی و نقش بزه دیدگان در میانجی‌گری فرایند عدالت کیفری»، اولین کنفرانس ملی کاربرد پژوهش‌های نوین در علوم انسانی، ۱۳۹۶.
- جوادپور، نغمه، علوم یزدی، حمیدرضا، ابراهیمی سید نصرالله، «حل و فصل اختلافات قراردادهای تجاری بین‌المللی از طریق میانجی‌گری - داوری با تأکید بر نظام حقوقی ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال هشتم، شماره بیست و نهم، ۱۳۹۸.
- چراغی نوید، زهرا، «چالش‌ها و موانع اجرای عدالت ترمیمی در نظام کیفری ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اصفهان - دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، ۱۳۹۵.
- حاجری، میلاد، تبار، سارا، آلبوعلی، امیر، «بررسی رابطه نقش میانجی‌گری بر اهمیت و ارتقاء نقش بزه دیدگان روستاییان استان خوزستان»، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، ۱۳۹۴.
- حرعاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، موسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹.
- حسینی، سیده سمانه، کاظمی گلوردی، محمدرضا، شایگان فرد، مجید، «مبانی فقهی میانجی‌گری کیفری در عرصه جرائم تعزیری با تأکید بر عدالت ترمیمی»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای فقه، دوره دوم، شماره دو، ۱۴۰۱.
- دانشگر، سید محمد، برومندزاده، محمدرضا، «بررسی نقش میانجی‌گری کیفری در حل و فصل اختلافات قومی در استان کهگیلویه و بویراحمد»، فصلنامه علوم اجتماعی شوشتر، دوره یازدهم، شماره یک، ۱۳۹۶.
- درویشی، صیاد، میرزاخانی، عبدالرحمن، حسینی‌خواه، نورالله، «پیشگیری از تکرار بزه‌کاری بر پایه میانجی‌گری پلیس»، دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی، دوره سوم، شماره دو، ۱۳۹۵.
- دلماس، مارتی، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه‌ی دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۱.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- راستاد، مجتبی، «میانجی‌گری کیفری»، کنفرانس ملی تحقیقات علمی جهان در مدیریت، حسابداری، حقوق و علوم اجتماعی، ۱۳۹۶.
- زارع بیدسردره، عباس، شادمان فر، محمدرضا، یوسف زاده، علی، «اجرای سیستم عدالت ترمیمی در دادرسی نظامی ایران و مطالعه تطبیقی با حقوق انگلستان»، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، دوره دهم، شماره سی و هشتم، ۱۳۹۶.
- زراعت، عباس، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۹۲.
- زهر، هوارد، کتاب کوچک عدالت ترمیمی، ترجمه دکتر حسین غلامی، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۳.
- ساداتی، سیدمحمد مهدی، ساداتی، سید محمدجواد، محمدی کراچی، بابک، «میانجی‌گری در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران، مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق»، دو فصلنامه علمی جامعه المصطفی العالمیه، دوره چهاردهم، شماره چهل و یکم، ۱۳۹۹.
- ساریخانی، عادل، خاقانی، مهدی، «نقد عدالت کیفری ترمیمی در گفتمان جرم‌شناسی غربی از

حقوق موضوعه ایران»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره هفتم، شماره سیزدهم، ۱۳۹۸.

- غلامی، احسان، غلامی رزینی، محسن، «فرآیند میانجی‌گری در ایران و انگلیس»، فصلنامه دانش انتظامی کردستان، دوره نهم، شماره دو، ۱۳۹۷.

- فرنام، حکیمه، «انتقادات وارد بر عدالت ترمیمی»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره دهم، شماره بیستم، ۱۴۰۱.

- کونانی، سلمان، آماده، غلامحسین، «منطق و روش عدالت ترمیمی در مواجهه با جرم و بزهکاری (با نقدی بر رویکرد ترمیمی قانون آیین دادرسی کیفری)»، فصلنامه پژوهش‌های حقوقی قضایی، شماره اول، ۱۳۹۷.

- ماکسل، گابریل، موریس، الیسون، «عدالت ترمیمی الگوی جدید تفکر در امور کیفری»، ترجمه حسین غلامی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره پنجم، شماره نهم، ۱۳۸۲.

- مهدی‌زاد پایدار، عظیم‌زاده، شادی، «بایسته‌های میانجی‌گری کیفری در بوته سیاست تقنینی نوین ایران (با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری و آیین‌نامه‌ی میانجی‌گری کیفری)»، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، دوره دوازدهم، شماره سی و چهارم، ۱۳۹۶.

- میروحیدی، وحید، مزیدی شرف‌آبادی، علی، «کارایی عدالت ترمیمی و چالش‌های اجرایی آن در قوانین کیفری ایران»، فصلنامه حقوقی دانشگاه اصفهان، دوره سوم، شماره چهل و پنجم، ۱۳۹۳.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی»، دوفصلنامه تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره‌های نهم و دهم، ۱۳۸۲.

منظر سیاست جنایی اسلام»، دوفصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، دوره نخست، شماره اول، ۱۳۹۱.

- سبزواری، عبدالکریم، «سازوکارهای اجرایی و چالش‌های عدالت ترمیمی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، فصلنامه فقه مطالعات میان رشته فصلنامه، شماره هفتم، ۱۴۰۱.

- سعیدی، یاسمن، «الگوی میانجی‌گری از عدالت ترمیمی در نظام حقوقی ایران و اسلام»، فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره دهم، شماره سه، ۱۴۰۱.

- سعیدی، یاسمن، «پارادایم عدالت ترمیمی و تحدید میانجی‌گری کیفری در فقه و حقوق ایران»، فصلنامه نامه‌الهیات، دوره پانزدهم، شماره شصت و یکم، ۱۴۰۱.

- صادقی موحد، خدیجه، باقری، احمد، صدری، سید محمد، امیرپور، حیدر، «عدالت ترمیمی، بایستگی و ضرورت حاکمیت آن در حوزه خانواده با تکیه بر مبانی فقهی»، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره پنجاه و دوم، شماره یک، ۱۳۹۸.

- صفری مقدم، منصور، ملامحمد علی، امیر، قیوم‌زاده، محمود، «واکاوی تأثیر داوری و میانجی‌گری بر ساختار عدالت ترمیمی و کیفری در فقه اسلامی و حقوق»، فصلنامه مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی، دوره دوم، شماره سه، ۱۴۰۱.

- عباسی، مصطفی، افق‌های نوین عدالت ترمیمی میانجی‌گری کیفری، چاپ اول، تهران، دانشور، ۱۳۸۲.

- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ نوزدهم، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۹.

- غلامی دون، حسین، سودانی سادری، بدر، «قلمرو میانجی‌گری کیفری در انواع جرایم در

- Young Oran, *The Intermediate's Third Parties in International Crisis*, Princeton, Princeton University press, 1976.
- Bazemore, Gordon, Umberit, Mark, "A Comparison of Four Restorative Conferencing Models", February 2001, <https://www.ncjrs.gov/pdffiles1/ojdp/184738>.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، *دانشنامه جرم‌شناسی*، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، میانجی‌گری کیفری: جلوه‌ای از عدالت ترمیمی، دیباچه بر کتاب میانجی‌گری در امور کیفری؛ محمد آشوری، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران، نشر گرایش، ۱۳۸۲.
- نوبهار، رحیم، «شفاعت در حد و تعزیر»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره دوم، شماره هفتم، ۱۳۹۳.
- ولیدی، محمد صالح، شرح بایسته‌های قانون مجازات اسلامی در مقایسه و تطبیق با قانون سابق، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۲.
- Biffi, Emanuela, "European Forum for Restorative Justice", EX POST PAPER RAN RVT and RAN EXIT meeting – Restorative Justice 3-4 December 2019 Dublin, Ireland, The role of restorative justice in preventing and responding to violent extremism, 14/01/2020.
- Andrew, Ashworth, "Is restorative justice the way forward for criminal justice?", Oxford Academic, Vol. 54, No.1, 2001.
- Young, Richard, "Restorative justice and corporate victims", In: *New Visions of crime victims*, edited by Caroline Hoyle and Richard Young, Oxford, Centre for Criminological Research University of Oxford, 2002.
- Braithwaite, John, "Setting standards for restorative justice", *British Journal of Criminology*, Vol. 42, No.3, 2002.



Iran's Judicial System's Approach to Restorative Justice from the Point of View of Economic Efficiency

Shahram Labaki¹, Naser Ghasemi², Ghasem Ghasemi³⁴

1. PhD Student, Criminal Law and Criminology, International Unit, University of Sciences and Research, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Law, University of Judicial, Service and Administrative Sciences, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law, Tehran University of Science and Research, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:105-120

Article history:

Received: 04 May 2020

Edition: 10 Jul 2020

Accepted: 18 Sep 2020

Published online: 22 Sep 2020

Keywords:

Economic Justice, Restorative Justice, Mediation, Economic Efficiency.

Corresponding Author:

Naser Ghasemi

Address:

Iran, Tehran, Service and Administrative Sciences, University of Judicial, Department of Law.

Orchid Code:

0000-0001-8335-2367

Tel:

021 6670 7021

Email:

naserghasemi213@gmail.com

ABSTRACT

Background and Purpose: restorative justice is a concept that has become the basis for a new approach to the concepts of judicial justice due to the ineffectiveness of punitive justice. In economics, the phrase cost-benefit means that all human beings are assumed to be rational and their behavior and decisions are also rational, and before doing anything, they weigh its cost and economic benefits. This research examines the approach of Iran's judicial system to restorative justice from the perspective of economic efficiency.

Materials and Methods: This research is theoretical and descriptive-analytical using library documents and information .

Ethical Considerations: In this article, the authenticity of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Findings: According to the findings, restorative justice, in addition to reducing work density and delaying proceedings, leads to the prevention and reduction of violations in the long term and fostering a favorable judicial system and reducing costs .

Result: the mechanism of restorative justice in the judicial system of Iran does not have enough coherence and has a weak presence in the existing laws along with many scattered statements. This situation shows that the legislator does not pay attention to the special place of restorative justice and sometimes it is misunderstood.

Cite this article as:

Labaki Sh, Ghasemi N, Ghasemi GH. *Iran's Judicial System's Approach to Restorative Justice from the Point of View of Economic Efficiency*. 2020.

